

در طرف مدت کمی نیکلاماتی بزرگ دو دختر خود را از دست داد . بسوی  
 سوزاندن اجساد تمام فضای خیابانها را اشغال کرده بود . بنظر میرسد که تاریخ این  
 شهر تروتمند و آباد بیابان رسیده است .  
 در چنین احوالی آلساندرو استرادیواریوس سعی میکند که همراه بازنش آنا  
 و سه فرزندش جیوزپه، کارلو، و پیترو از شهر فرار کند . ولی وقتی آنها بدروازه  
 اکنیسانتی میرسند، آلساندرو بر حسب تصادف زیر آوار میرود و بحال مرگ میافتد،  
 در اینحال آنا مرد محتضر را بحال خود گذارده و با سه فرزندش باعجله بشهر باز  
 میگردد .

# صنعتگران خارمهتر



## آنتونیو استرادیواریوس

در طرف مدت کمی نیکلاماتی بزرگ دو دختر خود را از دست داد . بسوی  
 سوزاندن اجساد تمام فضای خیابانها را اشغال کرده بود . بنظر میرسد که تاریخ این  
 شهر تروتمند و آباد بیابان رسیده است .  
 در چنین احوالی آلساندرو استرادیواریوس سعی میکند که همراه بازنش آنا  
 و سه فرزندش جیوزپه، کارلو، و پیترو از شهر فرار کند . ولی وقتی آنها بدروازه  
 اکنیسانتی میرسند، آلساندرو بر حسب تصادف زیر آوار میرود و بحال مرگ میافتد،  
 در اینحال آنا مرد محتضر را بحال خود گذارده و با سه فرزندش باعجله بشهر باز  
 میگردد .

این حادثه چنانکه در پروندههای موجود ثبت شده در سال ۱۶۳۰ اتفاق افتاده  
 و بنا بر این با وجود اینکه نام پدر استرادیواریوس نیز آلساندرو بوده است، آلساندروی  
 فوق الذکر نمیتواند پدر آنتونیو باشد زیرا در حدود ۱۴ سال پیش از تولد آنتونیو  
 از جهان رفته است و از آنجائیکه در دفاتر ثبت شهر کر مونا نه ذکری از آلساندرو  
 استرادیواریوس دیگری رفته و نه از تولد آنتونیو نشانه ای بدست آمده است می-

توان چنین تصور کرد که آنتونیو فرزند یک آلساندروی دیگری بوده که هرگز در کرمونا سکونت نداشته و احتمالاً آنتونیو نیز در قریه کوچکی از ایالت لمباردی و نزدیک کرمونا تولد یافته است.

با این ترتیب ما درباره محل تولد و همچنین دوران کودکی آنتونیوی کوچک چیزی نمیدانیم ولی میدانیم که او در سن ۱۲ سالگی بعنوان یک کارآموز وارد کارگاه نمونه ویلن سازی نیکلا آماتی شد.

عده ای میگویند که استرادیواربوس فرزند تعمیدی نیکلا آماتی بوده است. امکاناتی هست که این نظریه صحیح باشد. زیرا آماتی نه تنها ثروتمند، بلکه به نیکوکاری نیز مشهور بود. و تدریس تعداد زیادی از شاگردان را بدون دریافت پول قبول میکرد. البته شاگردانش نیز بنوبه خود بر طبق قوانین مخصوص حرفه ایشان برای او مفید واقع میشدند. زیرا او اکثراً مجبور به آماده ساختن سفارشهای زیادی بود که از نقاط مختلف برای او میرسید و در این اوقات بود که او بکمک شاگردانش که اکنون هر یک صنعتگر جوانی بودند نیاز داشت، بخصوص در سالهای آخر عمر که چشمانش ضعیف شده و دستهایش قدرت کافی برای کار نداشت.

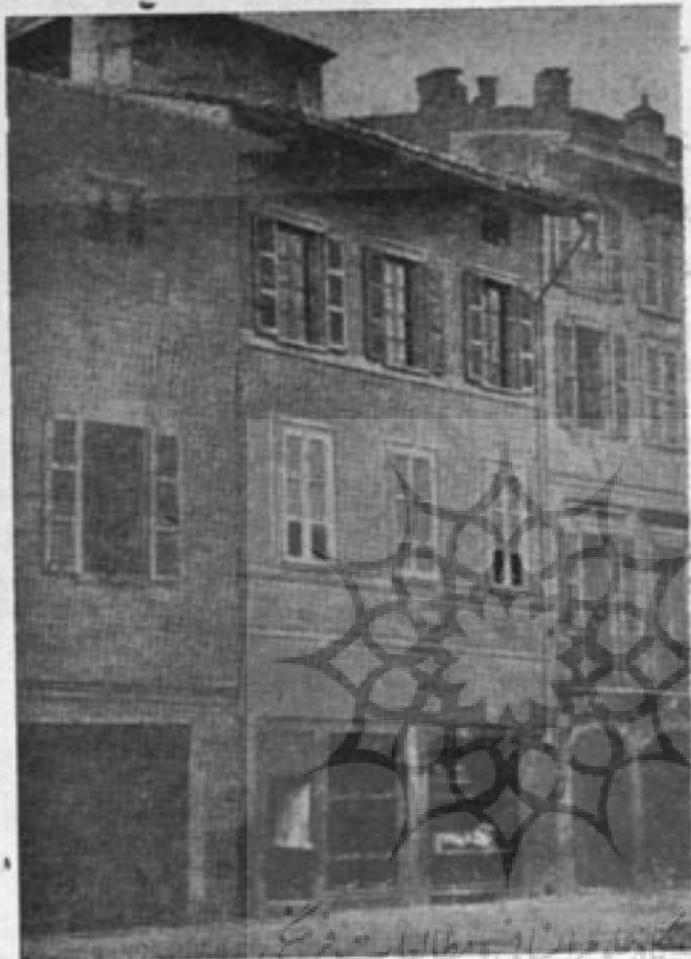
البته باید در نظر داشت که آماتی هر کسی را هم برای شاگردی قبول نمیکرد، زیرا در آن زمان صنعتگران برای قبول کارآموز تابع قوانین دقیقی بودند. اگر استادی میخواست کودکی را بشاگردی بپذیرد میبایست هر دو نفر استاد و شاگرد نزد سردفتری رفته و قرارداد را امضاء کنند که بر حسب آن استاد موظف میشد شاگردش را در رشته مورد نظر بدقت تربیت کند.

بعد از آن، استاد آن کودک را مانند یک شاگرد شبانه روزی بخانه خود میبرد و به آموزش او میپرداخت. بدینجهت کاملاً عادلانه بود اگر شاگردی بعد از مهارت خود را در راه کمک و سود رسانیدن به استادش بکار اندازد. درباره نیکلا آماتی ذکر این نکته نیز لازم است که او هرگز سعی نمیکرد از مهارت شاگردانش بطور غیر-منصفانه ای بهره برداری کند، برای اینکه او حتی با آنها اجازه اینرا میداد که ویلن-هائی را که خودشان ساخته اند در کارگاه او بمرض فروش بگذارند. با اینحال اصرار داشت برای خریدار روشن سازد که ویلن خریداری شده یک آماتی حقیقی نیست!

هنوز هم ویلن هائی وجود دارد که روی اتیکت آنها جمله «Sotto disciplina di Nicolo Amati» - دیده میشود.

تشابه اخلاق و روحیات و طرز کار استرادیواربوس و نیکلا آماتی نشان می-دهد که آماتی میبایستی تأثیر فراوانی روی آنتونیوی جوان گذاشته باشد. هر دو آنها عشق وافر به هنر خود داشتند و همچنین در کارهای خود دقت زیادی بکار میبردند. علاقه ای که استرادیواربوس به حرفه اش داشت و همچنین غروری که بر اثر کار کردن

روی این صنعت ظریف درخود حس میکرد باعث شده بود که بطور کلی از پذیرفتن شاگرد خودداری کند. در این مورد تنها استثنا، دو پسر خودش و کارلو برگوتزی بود. بخصوص برگوتزی که با او خیلی نزدیک بوده است. با وجود اینکه استرادیوار یوس برای تربیت این شاگردان نیز وقت زیادی بکار میبرد هرگز بآنها اجازه نمیداد تا با او در ساختن سازهایش کمک نمایند و حتی هنگامی که پیر شده بود تنها بخودش اعتماد داشت. او کلیه روزهای هفته را از طلوع تا غروب آفتاب بطور مداوم کار میکرد. نهارش را هم که مرکب از نان و مقداری میوه بود با خود بکارگاه میبرد و همانجا صرف میکرد. فقط هنگام شام بود که در اجتماع خانواده اش ظاهر می شد.



خانه و محل کار استرادیوار یوس

روزهای یکشنبه بکلیسای بزرگ شهر می رفت و در آنجا با ویلن سازان دیگر ملاقات می کرد و معمولا در این روزها

در کلیسا کنسرتهایی ترتیب مییافت. در این کنسرتها بود که سازهای جدید بکار برده میشد. استرادیوار یوس هرگز وقت گردش یا شرکت در مجالسی را که رقایش در کافهها ترتیب میدادند پیدا نمیکرد. ولی در هر بهار هنگامیکه شیر تازه در نباتات و درختان بهرکت در میآمد، پای پیاده در جنگلهای شمال بر کامو بگردش میپرداخت و مدتی دور از منزلش بسر میبرد. در این روزها بود که او با کوشش خستگی ناپذیری درخت های مختلف را از نظر طنین و رزونانس مورد آزمایش قرار میداد.

او بخصوص بیشتر بقسمتهایی میرفت که درخت های کاج و آلش و سایر درختان جنگلی بطور پراکنده روئیده بود، زیرا سایه حاصل از قسمتهای انبوه جنگل از رشد سریع و در نتیجه گسترش هموار تنه درخت جلوگیری مینمود.

بعضی از متخصصین عقیده دارند که در ویلنهایی که آمانی از سال ۱۶۶۶ به بعد ساخته اثر دست استرادیوار یوس کاملاً مشهود است .  
از نظر اینکه در این سال استرادیوار یوس کارآموزی خود را نزد آمانی پایان رسانید این احتمال وجود دارد که نیکلا آمانی برای کارهای مشکلش کمک او را طلب کرده باشد.

همچنین در این سال بود که برای اولین بار آنتونیو توانست اجازه یابد که نام خود را روی اتیکت یکی از این ویلن‌ها بنویسد. آمانی آن ویلن‌رایبهای زیادی بیک بانکدار ازاهاالی بندر ژن فروخت و این مبلغ برای استرادیوار یوس بسیار نافع واقع شد زیرا درست در این هنگام او در حال تهیه مقدمات ازدواج خود بود.

همسری که استرادیوار یوس برای خود انتخاب کرده بود زن بیوه‌ای بود بنام « فرانچسکا فرا بوشی » که بتازگی از گرفتاری‌های دشوار چندساله ازدواج اولش آزاد شده بود.

شوهر اول او « جیووانی کابرا » فرزند یکی از خانواده‌های ثروتمند ایتالیا بود. پدر جیووانی بنام آلساندرو ازدانشندان بنام سراسر ایتالیا بشمار میرفت که بخصوص بغاطر کارهای ریاضی‌اش شهرت زیادی کسب کرده بود. فرانچسکا که دختر زیبایی فامیل محترمی بود باخود ۴۰۰ لیر جهیز بخانه شوهرش آورد. ولی جیووانی مشروبخوار دیوانه‌ای بود که اکثر اوقات در کافه‌ها بیخوارگی میپرداخت و کم‌تر در منزل بسر میبرد ، بهمین علت بزودی شایعاتی در میان مردم رواج پیدا کرد که در مدتی که جیووانی دور از منزل بسر میبرده فرانچسکا ماجراهای عاشقانه‌ای برای خود بوجود آورده است.

ولی سه سال بعد از ازدواج آنها، جیووانی بوسیله برادر زنش پیتر و فرا بوشی بقتل رسید. پیتر و در دادگاه سوگند یاد کرد که جیووانی زندگی او را تهدید کرده و او برای دفاع از خود مجبور بقتل جیووانی شده است و بهمین سبب دادگاه بادر نظر گرفتن ارفاق فقط باین اکتفا کرد که او را از کرمونا تبعید کند. در این هنگام فرانچسکا از این ازدواج دودختر داشت ولی از این وحشت داشت که خانواده شوهرش در صدر انتقام برآیند و باو آسیب برسانند. بهمین جهت آنچه در قدرت داشت برای آشتی با خانواده شوهرش بکار برد و بالاخره موفق شد. باین ترتیب که آلساندرو کابرا دو دختر او را - برای اینکه آنها را از تأثیر اخلاق مادرشان حفظ کند - از او گرفته و بخانه خود برد. ولی در عوض مقداری از جهیز او را پرداخته و همچنین اجازه داد که فرانچسکا جواهرات خود را نیز مالک شود. تمام این جریانات در حدود سه ماه بعد از مرگ جیووانی واقع شد.



نمونه‌ای از کارهای  
استرادیوار یوس

در این هنگام پیتر و فرابوشی نیز توسط حکمران میلان بخشیده شده و دوباره به کرمونا بازگشت و خود را بیای آلساندرو کاپرا انداخته تقاضای بخشایش نمود آلساندرو نیز عاقبت رضایت داد و یکماه بعد آلساندرو و برادر زاده‌اش ورته‌ای محضری را امضاء و بوسیله آن اعلام کردند که از این تاریخ دیگر پیتر و دشمن خود نمیدانند ( این مدارک هنوز هم وجود دارد ) و بعنوان دوستی دو خانواده، فرانچسکا باقی جہیز خود و همچنین ارثیه‌ای را که از شوهرش باو میرسد دریافت کرد.

در این هنگام استرادیوار یوس باوجود اینکه چند سال هم از فرانچسکا کوچکتر بود او را برای همسری خود انتخاب کرد و بنظر میرسد که استرادیوار یوس با او زندگی خوشی داشته است. این ازدواج ۵ بچه بیادگار گذاشت دو دختر و سه پسر که دو تا از آنها بنامهای آلساندرو و «اوموبونو» ۱ حرفه پدر خود را تعقیب کردند. این زوج جوان پس از ازدواج منزلی نزدیک خانه کشیش و رئیس کلیسای سان آگاتو تهیه کردند ولی استرادیوار یوس همچنان بکار خود نزد آماچی ادامه داد. احتمالاً استرادیوار یوس به علت اشکالات مادی نزد آماچی کار میکرده است زیرا در

آن زمان شوهر حق استفاده و مصرف تمولی که زن بعنوان جهیز بخانه او میآورده نداشته و این پول فقط برای فرزندان ذخیره میشده است. استرادیوار یوس نیز که هنوز شهرتی برای خود بدست نیاورده بود مبالغ نسبتاً کمی درازای ویلنهایی که میساخت دریافت میکرد - و شاید بهمین علت با وجود اینکه در آن حال شایستگی داشته که شخصاً بکار بپردازد، همچنان بهمکاری خود با نیکلا آماتی ادامه میداده است.

نشانه‌هایی از مضیقه مالی بعد از ازدواج استرادیوار یوس همچنین در کارهای این دوره او دیده میشود. چوبی که او در این سالها برای ساختن سازهایش بکار برده است از نوع مرغوبی نیست ولی این عیب با دقت زیاد او در ساختن سازها و همچنین صدای شفاف و زیبایی آنها جبران شده است.

در زندگی هنری استرادیوار یوس سه دوره متمایز وجود دارد. دوره اول تا سال ۱۶۸۶ ادامه داشت. در این دوره استرادیوار یوس بیشتر از مدل و شکل کارهای آماتی تقلید میکرد. ولی با اینحال در کارهای این دوره هم کم کم انحرافات از مدل آماتی دیده میشود. بیچک سازهای این دوره با عمق بیشتری در چوب کنده شده است و سراسیمی بسیار ظریفی دارد.

از جمله کارهای این دوره که بفرم آماتی ساخته شده است میتوان از ویان معروف به «هلیه» نام برد. (۱۶۷۹)

هلیه یکی از تعداد معدودی ویلنهای تزئین شده و مثبت کاری شده است که از استرادیوار یوس باقیمانده زیرا استرادیوار یوس در طراحی و تزئین کناره های ویلن باکنده کاری و مثبت کاری نیز مهارت بسزائی داشته است.

استرادیوار یوس چند سال پس از ازدواج برای خود کارگاه شخصی و جداگانه ای تهیه کرد و هدف بعدی او خریدن يك خانه برای خود و خانواده اش بود تا بالاخره همانطور که قبلاً ذکر شد منزل نسبتاً مناسبی در یکی از اهالی کر مونا در محله «پیاتزا سن دومینکو» خریداری نمود (۱۶۸۰)

این خانه تقریباً تمام احتیاجات استرادیوار یوس را برطرف میکرد. در سطح خیابان اطاق بسیار بزرگی وجود داشت که استرادیوار یوس آنرا بعنوان کارگاه بکار میبرد. در حالیکه اطاقهای بزرگ و آفتابگیر طبقه زیر شیروانی اختصاص به ویلنهایی داشت که تازه رنگ و روغن میخورد و برای خشک شدن در آن اطاقها به دیوار آویخته میشد. در تابستانهای گرم، خود استاد هم در یکی از این اطاقهای طبقه بالا که از جریان هوای بیشتری برخوردار بود بکار میپرداخت. در اواسط قرن نوزدهم که این خانه را برای تجدید ساختمان خراب میکردند در کنار یکی از اطاقها بستومی پیدا شد که پر از قطعات چوبهای بریده شده و باسسه های چوبی، چوبهای بی مصرف و همچنین ابزارهایی

بود که تمام لبه‌های آنها سائیده شده بودند.  
با وجود اینکه استرادیوار یوس جوان دائم در جستجوی خستگی ناپذیری برای  
پیشرفت کارهای خود بود هنوز نتوانسته بود به طرح و نقشه مطلوب خود برسد.  
ولی بزودی بعد از مرگ نیکلا آماتی شهرت او تمام کشورهای لاتین را فرا گرفت.  
آوازه او با اجرای سفارشی که برای ساختن يك كوميونت توسط يك بانكدار ونیزی  
بنام «میشل مونزی» داده شده بود آغاز گردید.

این كوميونت از دو ویلن، يك ویولا و يك ویلنسل بزرگ و يك ویلنسل  
کوچک تشکیل می‌شد. این سازها برای اهدا به «دوک بورک» که بعدها بنام «جیمز  
دوم» پادشاه انگلستان شد در نظر گرفته شده بود.  
مبلغی که استرادیوار یوس برای ساختن این سازها دریافت کرد ۱۰۰ دوکای  
ونیزی بود.

این سازها بسیار زیبا ساخته شده و با قطعات صدف و عاج تزئین و منبت کاری  
شده بود.

در سال ۱۶۸۵ نیز استرادیوار یوس بنا به سفارش کاردینال اوردسینی دو ویلن  
و يك ویلنسل برای او ساخت. این سازها که همطراز با بهترین کارهای آماتی بود  
چنان تأثیری در شخص مزبور کرد که شخصاً نامه‌ای به استرادیوار یوس نوشت و متذکر  
شد که از آن تاریخ او را یکی از بهترین دوستان خود میدانند.

این صمیمیت از طرف کسیکه بعدها بنام «پاپ بندیکت سیزدهم» مقام پیشوایی  
کاتولیک‌های جهان را پیدا کرد پر ارزش‌ترین ستایشی بود که استرادیوار یوس بخاطر  
هنرش دریافت کرد.

همچنین استرادیوار یوس برای ارکستر دربار «آماژموس دوم» پادشاه ساردنی  
نیز يك كوارتت ساخت که از همه نظر در حدود کارهای درجه اول آماتی بشمار می-  
رفت. دیگر از کارهای این دوره استرادیوار یوس میتوان از ویلنسلی که برای «دوک  
مدنا» ساخته است نام برد. دوک مزبور از استرادیوار یوس خواسته بود که ساز  
مزبور را خود بدربار او ببرد. این ساز نیز باندازه‌ای رضایت دوک را حاصل کرد که  
وی برای بزرگداشت استرادیوار یوس او را بتمام اعضای دربار معرفی کرد و  
استرادیوار یوس علاوه بر قیمت قرار شده مبلغ ۳۰ دابلون اسپانیا پادشاه دریافت  
کرد.

یکی دیگر از کارهای استرادیوار یوس يك كامبا میباشد که در سال ۱۶۸۶ برای  
دربار انگلستان ساخته است. همچنین یکماه بعد از اجرای سفارش فوق «مارکی

روتا ۱۰ بکارگاه او آمد و دستور ساختن يك كوارتت را كه باقطعات عاج تزیین شده باشد باو داد. این كوارتت نیز برای استفاده در کنسرت‌های دربار مادرید در نظر گرفته شده بود.

در همین اوقات در سبک و فرم کارهای استرادیواریوس تغییر کلی پیدا شد. زیرا که سازهای بسیار خوبی از ساخته‌های سازندگان مکتب برسچیا بدست او افتاد. البته در حقیقت کلیه این سازها فاقد ظرافت صدای سازهای کار آماتی بود ولی همگی از قدرت صدای کافی برخوردار داشت.

تجرباتی که استرادیواریوس با کار روی این سازها بدست آورد سبب شد که او هدف تازه‌ای برای خود در نظر گیرد:

— آیا میتوان ترکیبی از صدای ظریف و نقره فام ویلنهای آماتی و قدرت و عظمت صدای کارهای «ماگینی» بدست آورد؟

دوره دوم کار استرادیواریوس از سال ۱۶۸۶ تا ۱۶۹۴ برای تحقق بخشیدن این هدف گذشت.

در این سالها او در ساختمان ویلنهای کار آماتی که تا کنون مورد تقلیدش بود تجدید نظر کلی بعمل آورد. برجستگی زیاد سطح روی ویلن را کم کرد، در عوض تنه ویلن را وسیعتر نمود. همچنین دو فرورفتگی کنار ویلن را خیلی تیزتر نمود و از شیب سطح روی ویلن و شکافهای f شکل آن بمقدار زیادی کاست.

دقتی که در انتخاب نوع چوب این سازها شده است بخوبی نشان دهنده افزایش ثروت استرادیواریوس میباشد. مواد اولیه این سازها همگی از نوع بسیار مرغوب است. صفحه پشت بزیمانی تمام تزیین شده است، سطح روی آن از زیباترین چوبهای کاج میباشد، و این بنوبه خود در شفافیت سطح ساز بعد از رنگ و روغن، تأثیر زیادی کرده است.

بنظر میرسد که دوهمین دوران استرادیواریوس فرمول عجیب و اسرار آمیز لعاب دادن روی سطح ویلنهایش را با آن شفافیت کم نظیر، پیدا کرده باشد ( این فرمول امروزه هم همچنان بصورت رازی باقی مانده است ).

رنگ کارهای این دوره استرادیواریوس عبارت از یک رنگ اصلی است متشکل از زرد تیره‌ای که تدریجاً بقرمز خرمایی تبدیل میشود و رنگ استرادیواریونی درخشنده‌ای را میپوشاند.

همچنین استرادیواریوس میبایستی برای بدست آوردن ضخامت‌های متناسب چوبی

که برای ساختن سازه‌های ایندوره‌اش بکار میبرده است تجربیات زیادی بعمل آورده باشد. ویلنهایی که در اوایل این دوره توسط وی ساخته شده است بهسولت باکارهای ماکینی قابل اشتباه میباشد. ولی استرادیوار یوس بزودی راه خود را بازیافت. در کارهای بعدی او کمر ویلن نازکتر شد و این باعث گردید که ساز بزرگتر بنظر آید. در این دوره استرادیوار یوس تعداد زیادی ویلن نیز برای دوک توسکانا بنام «کازیموی سوم دو مدیسی» ساخت. یکی از زیباترین این سازها، ویلنی است بنام توسکانا که در پشت آن علامت خانوادگی در حالیکه توسط دو فرشته نگهداشته شده است دیده میشود.

(بقیه دارد)

ترجمه کیخسرو کهیانی



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی